



خاندان امینی

امین الدوله دوم ، محسن

محسن امین الدوله فرزند میرزا علیخان امین الدوله در ۱۲۹۴ ق. (۱۸۲۷ م.) با بجهان می گذارد. امین الدوله در نظر داشت پسرش را برای پرورش و آموزش بفرستد و چون به اشکالاتی برخورد کرد برای او معلمی بنام دیامانتین از فرانسه بمزد گرفت (۱) پتهران آورد. ولی اینهمه کوشش پدر روی پسر تأثیر زیاد نگذاشت، از اینرو امین الدوله دوم را آدمی با استعداد ننوخته اند، حتی گروهی وجود او را در ایران زائد قلمداد کرده اند. (۲)



پدر (امینی ها) از همان آغاز برای افتادن طبق معمول وارد اندرون شاهی می گردد و جزه پیشخدمتهای (آستان اعلی) قرار می گیرد، در ۱۳۰۶ (۸ سالگی) لقب مشیر حضور می یابد (۳) پسر میرزا علی خان امین الدوله بعد از مشیر حضور لقب معین الملك می یابد، این لقب بجهت نزدیکی فوق العاده سیاسی دو خاندان (مظاهر و امینی) می بود. میرزا علیخان امین الدوله خود را به شیخ محسن معین الملك (مشیر الدوله بعدی) رجل قدرتمند دوره مظفری بسیار نزدیک می کند.

در سال ۱۳۱۱ امین الدوله دختر مشیر الدوله (بی بی خانم) را بعقد پسرش درمی آورد، آنروز این پیوند بسیار با اهمیت می بود بطوری که ناصرالدینشاه در جشن عروسی شرکت می کند (۴) در تدارک زمینه سازی سدارت میرزا علی خان امین الدوله دیدم مشیر الدوله از عوامل مؤثر بر کناری امین السلطان و روی کار آمدن امین الدوله بود، در هنگام بر کناری امین السلطان وی نطق تندی کرد، ناصرالدینشاه موقته امور کشور را باو سپرد.

از و اوج باخانم فخر الدوله

ولی همینکه امین الدوله به سدارت رسید دیگر نردبان زیر پا (استفاده شده) از حیز امتناع افتاده بود. از اینرو امین الدوله با رها کردن دختر مشیر الدوله روابط دیرین خود را با خاندان مظاهر بهم ریخت، برای نردبان سیاسی بو، دختر پادشاه، اشرف خانم

۱ - یادداشت های خصوصی معین الملك (ینما شماره ۹۳-۴۰ ر ۱۳)

۲ - رجال صدر مشروطیت (ینما شماره ۱۳۳۱۴)

فخر الدوله را برای محسن معین‌الملک گرفت. این عمل تأثیر شگرف در روحیه بی بی مظاهر بجا گذاشت، بیوه معین‌الملک در ۱۳۱۷ بدرود زندگی گفت.

امین‌الدوله برای استوار ساختن پایه‌های قدرت نیاز به نردبان نزدیکتر به پادشاه داشت هیچ وسیله بهتر از (فخرالدوله) عزیز ترین دختران ناصرالدین شاه نمی‌بود، خواهید دید بیچاره مشیرالدوله بی طلاق آماده بردن دخترش بخانه‌اش بود تا آبرویش حفظ شود ولی امین‌الدوله عروسی را رها کرد بجایش، فخرالدوله را برای پسرش گرفت.

محسن‌امین‌الدوله در سال ۱۳۱۱ به وزارت پست و در ساقفت يك ثوب جبهه ترمه کشمیری و شمشیر مرصع نایل می‌گردد، در صدارت پدر وزارت گمرک و مقام ارثی (وظایف و اوقاف) به مشاغل وی افزوده می‌شود و تا سال ۱۳۱۵ در وزارت پست میماند.

صنیع‌الدوله (مرتضی قلی‌هایت) که بعد از امین‌الدوله مدت کوتاهی وزارت را اشغال و مخبر السلطنه (مهدی قلی‌هدایت) برادرش رئیس پست می‌شود، مخبر السلطنه در مورد این وزارتخانه می‌نویسد (امین‌الدوله سالی هزاروپانصد تومان به دولت میداده هفت هزار و پانصد تومان علی‌ق می‌گرفته خرج در رفته سالی چهل و یک هزار تومان می‌برده است) ولی شمیم می‌نویسد (امین‌الدوله سالانه ده هزار تومان بدولت می‌پرداخت در سال ۱۳۱۶ که صنیع‌الدوله وزیر پست گردید سالانه بیست هزار تومان بابت عواید بخزانه دولت پرداخت می‌کرد) (۲)

درآمد ضرابخانه!

در همین سالها که صنیع‌الدوله وزیر خزانه می‌شود مخبر السلطنه معتقد است امین‌الدوله با دستخط مظفرالدین‌شاه درخواست شصت هزار تومان مساعده از صنیع‌الدوله می‌کند مخبر السلطنه می‌نویسد امین‌الدوله بجهت امتناع صنیع‌الدوله از پرداخت این پول وزارت خزانه را از او می‌گیرد به امین‌الضرب دوم (حسن‌مهدوی) میدهد. برادر صنیع‌الدوله تصریح می‌کند که این دستخط شاهانه در آرشیو خانوادگی هدایت بایگانی است.

مخبر السلطنه در این باره می‌نویسد (بمدضرابخانه را صنیع‌الدوله گرفته به امین‌الضرب داد و در ضمن عقد خارج معروف شد ماهی پنجهزار تومان امین‌الضرب به محسن می‌دهد و این بدون تقلب در عیار ممکن نبود (۳)

این تقلبات سبب می‌گردد که ارزش پولی ما پائین می‌آید، این درآمد زیر دندان خاندان امینی مزه می‌کند چه اندکی بعد در همان سال (۱۳۱۶) امین‌الدوله خود رسماً رئیس خزانه می‌شود (۴)

گروهی یکی از موجبات اختلال کار صدارت امین‌الدوله اول را بدرفتاری پسرش امین‌الدوله دوم می‌دانند که اهالی بر اسماعیل امین‌الملک برادر اتابک رحمت می‌کردند (۵)

۱ - خاطرات خطرات صفحه ۱۴۶ ۲ - تاریخ ایران صفحه ۲۵۵

۳ - خاطرات خطرات صفحه ۱۴۳

۴ - د د د

۵ - رجال صدر مشروطیت (مجله یفما سال پنجم شماره ۴ تیر ۱۳۳۱)

فاجعه خونین پارك!!!

در پادشاهی محمد علی‌شاه شوهر خانم فخرالدوله بیشتر مورد توجه برادرانش قرار می‌گیرد و بخاطر حفظ این موقعیت و تقرب با دیگر صحنه خونین پارك امین‌الدوله می‌شود که بهتر است فرایند این فاجعه را از قلم پروفیسور برادون گوش کنیم :

(هشت نفر از ملیون که محمدعلیشاه چندی پیش تبعید آنها را خواسته بودو در مسجد سهسالار منتحن شده بودند درروز بمباران مجاس پارك امین‌الدوله که در نزدیکی مجلس واقع بود فرار کردند ولی امین‌الدوله خائن بغوریت خبر ورود آنها را بخانه خود بوسیله تلفن به ستاد قزاقخانه خبر داد ویدرنگ عده ۱۰ قزاق برای توقیف آنها اعزام شد. حاجی میرزا ابراهیم تبریزی هنگامیکه قزاقها مشغول لخت کرمان او شدند کشته شد ، بقیه را بیاغشاء بردند روز بعد(میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل وملك المتكلمین) را درباغشاه طناب انداختند (۱) تقی زاده درباره یکی از آنان که درپارك کشته می‌شودمی- نویسد « حاج میرزا ابراهیم آقای تبریزی که از پاکترین مردان انقلاب بود... درپارك امین‌الدوله شهید شد۲»

در مورد شناخت این شهید آزاده و دانشمند باید دانست (وی بعلم فیزیک‌رشمی و طب علاقه وافری داشت با آقای حاجی میرزا باقر حکمت بطور انفرادی مشغول مطالعات علمی بوده‌اند حتی در علم طب بطور پیشرفته بود که بدیگران درس می‌دادازقرار گفته‌صدیقه خانم صبیبه مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا در سالهای اول طب را به جناب لقمان الملك گفته است ...)

بعد از شکست کامل قوای آزادی ، تاراج مجلس و مجامع از آزادی خواهان از طرف قزاقها و سرزبازان سیلا سوری شروع شد کشتار کتک حبس فراوان گردید . وقتیکه فشار قزاقها زیاد شد بنا بصلحت ، از قرار مرحوم مستشار الدوله شادرونان طباطبائی ، بهبهانی وچند نفر دیگر از پشت مجلس می‌روند ، تادر جای امن باشند . آنان پارك امین‌الدوله را مناسب تشخیص می‌دهند ببدأ پیغام داده تقاضا می‌کند که دیگران نیز با آنها ملحق شوند در نتیجه اشخاص زیر بتدریج جمع شدند .

۱ - سید محمد طباطبائی ۲ - سید عبدالله بهبهانی ۳ - ممتازالدوله ۴ - حاج امام جمعه خوئی ۵ - حاج میرزا ابراهیم آقا ۶ - مستشارالدوله ۷ - حکیم‌الملک دکتر جاوید درباره نحوه کشته شدن میرزا ابراهیم درپارك چنین بگفتار خود ادامه می‌دهد: (امین‌الدوله از جمع شدن آقایان فوق‌العاده ناراضی بود، می‌گفت خانه مرا خراب خواهند کرد . بعد به بهانه‌هایی بیرون رفت . بعد از چندی در پارك کوبیده شد وقتی که گشوده‌شد ناگهان دسته انبوهی قزاق سرباز و مردم اوپاش بشوی پناهندگان هجوم آوردند مهاجمین که تفنگ و شلول داشتند شروع کردند با شلیک وقتی که نزدیک شدند کتک و دشنام شروع گردید .

شادرونان طباطبائی و بهبهانی و امام جمعه خوئی را چندان زنده که اندازه‌نداشت وقتی که از کتک زدن خسته شدند شروع کردند بکندن ریشها ، دسته دسته موها راکنده دور

۱ - انقلاب ایران صفحه ۲۰۸ و کلیه تواریخ مهم مشروطیت .

۲ - خطابه درباره تاریخ مشروطیت صفحه ۹۱

می‌ریختند. یکمده را هم با شوشکه یا ابراردیگر زخمی کردند خون از سر و گردنشان روان بود. در این میان شلیک زیادتر شد و معلوم گردید حاج میرزا ابراهیم آقا را کشته‌اند مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا شلول داشت جریان کارنمان می‌دهد که در موقع هجوم قزاقها او از خود دفاع کرده و شهید شده است. از اطلاعاتی که بعداً بدست آمد حدسیات تعیین شد که امین‌الدوله بیبانه‌ای بیرون رفتن خارج شده بود تا بقزاقخانه تلفن کند و وجود پناهندگان را اطلاع دهد.

امین‌الدوله به بیبانه‌ای شادروانان ملك المتكلمین، میرزا جهانگیر خان و قاضی ارداقی را هم از خانه (پارك) خود بیرون می‌کند، آنها در یکی از اتاقهای دوردست سکنی گزیده بودند آمده بظاهر مهربانی می‌کند و از قول بیبانه‌ای می‌گوید که چون شماها تحت تعقیب هستید جای مطمئن تری را انتخاب نمایند و با این ترتیب آنها بیرون می‌کند.

مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا اولاد ذکور نداشته سه دختر داشت یکی از آنان عزال‌آقای اسماعیل یگانی فوت نموده دوتنشان صدیقه خانم و خانم محمود زاده تحصیل کرده و در حال حیات هستند مرحوم حاج میرزا آقا شهید شد ولی نام او همیشه زنده خواهد ماند (۱)

امین‌الدوله در همین کابینه کودتای محمدعلیشاه (احمد، شیر السلطنه) ۱۶ شهریور ۱۲۸۶ شرکت می‌جوید و از هر گونه آسیب برکنار می‌ماند. ولی در رشت مرکز این شورش ملی این افسونها کمتر کارگر می‌افتد، دهقانان رنجیده، استعمار زده و محنت کشیده فرصتی می‌یابند تا علیه پیداد گریهای خاندان امینی واکنش نشان دهند.

ابتدا امین‌الدوله از نفوذ خاندان اکبر که در رهبری انقلاب سهم خلاق داشتند بسود خود استفاده می‌کند. احمدعلی اکبر (پسر حاج کاظم و کیل رعایا برادر میرزا کریم خان رشتی سردار محبی «عبدالحسین اکبر») بحکومت لشت نشاء می‌فرستند ولی مردم همیشه بوئی از این سازش می‌برند حکمران دست نشانده وارد می‌کنند، سیدجلال شهر آشوب از طرف انجمن رشت برای تظلم مردم به لشت و نشاء بجنگ امین‌الدوله می‌رود، در نتیجه در لشت و نشاء يك حکومت خود مختاری ملی محلی بوجود می‌آید، ضربه‌های بی-رحمانه بر ریشه‌های قدرت فنودالستی امین‌الدوله وارد می‌آورد.

۵. لویی. رایینو که در این وقایع در گیلان می‌زیست در گزارش چون ۱۹۱۲ می‌نویسد (سیدجلال‌الدین شهر آشوب که یکوقت نماینده از طرف اصناف بود بادوسه نفر دیگر به لشت و نشاء که ملك شخصی امین‌الدوله است فرستاده‌اند برای تشکیل انجمن از اعمال او شکایات بسیار رسید او را برشت احضار کردند نیامد معلوم می‌شود که صیغه امین‌الدوله بعد خود در آورده است خود را سید جلال‌الدین شاه موسوم کرد و هفت سال مال‌الاجاره و مالیات را بر رعایا بخشید و باین بهانه دوسه هزار نفر رعایا دور خود جمع کرده ادعای سلطنت می‌کرد و حکم انجمن را نمی‌خواند (۲)

(ادامه دارد)

۱ - فداکاران فراموش شده آزادی جلد چهارم ۱۸ - ۱، دکتر جاوید تصریح می‌کنید که اطلاعات مربوط بپارك امین‌الدوله از گفته مرحوم مستشارالدوله است.